

متن پرسش

منظور از اکمال دین و اتمام نعمت در آیه: «الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی» چیست و تفاوت اکمال و اتمام در بحث دین و ولایت چیست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: پس از آن که پیامبر(صلوات الله علیه و اله) در آخرین حج، در هر فرصتی مردم را متوجه عترت خود می کردند و به عدم انفکاک بین کتاب خدا و اهل البیت خود توجه می دادند، بالاخره حضرت جبرائیل (ع) نازل شد و دستور خدا را اعلام داشت که ای پیامبر؛ حرف اصلی را بزن که فرصت دارد از دست می رود و در این رابطه در ۱۸ ذیحجه ی سال دهم هجری آیه نازل شد که: «یا ایها الرسول بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» ای رسول خدا، به مردم برسان آنچه را بر تو نازل شده از طرف پروردگارت و اگر انجام ندهی، رسالت او را ابلاغ نکرده ای و خدا تو را از مردم و خطرات و توطئه های آنان حفظ می کند، خدا کافران را هدایت نمی کند و نمی گذارد نقشه هایشان به نتیجه برسد. از این آیه نکات زیر به دست می آید:

۱. آیه ی فوق دستوری است به رسول الله (صلوات الله علیه و اله) همراه با تأکید و تهدید، که اگر آنچه را باید ابلاغ کنی انجام ندهی و ابلاغ ننمایی، رسالتت را انجام نداده ای. در ضمن خداوند در دل آیه وعده ای به رسول الله می دهد، که خدا او را از خطر مردم محفوظش می دارد، حال سؤال این است که آن خطر چه بوده است؟

الف- مسلم خطر اهل کتاب نیست، چون در سال دهم هجری اهل کتاب قدرتی نداشتند که بتوانند برای مسلمانان خطری باشند و از طرفی باید خطری باشد که رسول الله(صلوات الله علیه و اله) را نگران کرده و خدا هم نفرمود خطری نیست، بلکه فرمود: آن حضرت و آن پیام را از خطر حفظ می کند.
ب- خطر از برای جان پیامبر هم نبوده، چون پیامبر (صلوات الله علیه و اله) در طول حیات خود ثابت کرده اند که هرگز از فداکردن جان خود هراس نداشته اند.

ج- پس باید خطر سرکشی و عصیان اعراب متعصب بوده باشد که برایشان ارزش های قومی و مادی ملاک بوده و نه ارزش های الهی. و لذا پیامبر (ص) نگران بودند که با طرح رهبری علی (ع) مقابله ی مسلمانان متعصب نگذارد کار به نتیجه برسد، و به ظاهر هم پیش بینی ایشان درست بود، ولی خداوند در آخر آیه حضرت را امیدوار کرد که در نهایت نقشه ی آن ها خنثی می شود و نمی توانند

مسیر هدایتی را که به عهده ی حضرت علی (ع) و فرزندان آن حضرت است از مسیر اسلام جدا کنند. تاریخ گواه است بعد از ابلاغ آیه فوق و معرفی حضرت علی (ع)، از طرف بعضی از افراد که به ظاهر اسلام آورده بودند مقاومت های شدیدی شد.

۲. به تعداد ۱۱۹ نفر از صحابه و از جمله مالکی، طبری، ثعلبی از علماء اهل سنت اذعان دارند که آیه در شأن علی (ع) نازل شد و پس از نزول آیه ی فوق رسول خدا(صلوات الله علیه و اله) همه را در محل غدیر جمع کردند و فرمودند: «أَلَسْتُ أُولَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» آیا من - طبق آیه ی ۶ سوره ی احزاب که می فرماید: «الَّذِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» پیامبر نسبت به مؤمنین بر مؤمنین مقدم است- نسبت به شما برای تعیین تکلیف به شما بر شما مقدم نیستم؟ همه فریاد زدند «بلی یا رسول الله»، باز حضرت جمله را تکرار فرمودند و مردم هم همان جواب را دادند. سپس فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَ غَادِ مَنْ غَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ» هرکس من سرپرست و ولی او هستم پس این علی هم سرپرست اوست. خداوندا! ولایت کسی را بر عهده بگیر که او ولایت علی را بر عهده دارد و دشمن باش کسی را که علی را دشمن دارد و یاری کن کسی را که علی را یاری کند و یاور باش کسی را که علی را یاری نکند.

به گفته ی علامه ی امینی «رحمه الله علیه» در کتاب «الغدیر» آنچنان سند این روایت در متون روایی اهل سنت محکم است که اگر بنا باشد حدیث غدیر مورد شبهه قرار گیرد، در دنیا هیچ امری قابل اثبات نیست، چون هیچ قضیه ای مانند قضیه ی غدیر خم روایات و اسانید ندارد.

سؤال: طبق آیه ی فوق که می فرماید: «الیوم» یعنی «امروز» هم دین به حدّ نهایی کمال رسید و شرایط ادامه ی حیات را یافت و هم نعمت الهی به حدّ تمامیت رسید و هم خدا در این شرایط راضی است که اسلام دین شما باشد، «امروز» یا «الیوم» چه روزی می تواند باشد؟
جواب: عده ای گفته اند «الیوم» روز فتح مکه و یا روز قرائت سوره ی براءت یا روز بعثت و... است، در حالی که طبق مضمون آیه و گواهی تاریخ، هیچ کدام از روزهای فوق نمی تواند مصداق «الیوم» در آیه ی فوق الذکر باشد. لذا می ماند نظر دیگری که اکثر دانشمندان اهل سنت و علماء شیعه معتقدند و آن این که طبق جنبه های تاریخ و صراحت روایات در حد تواتر، «الیوم»: روز غدیر خم است و عقل هم می پذیرد که کمال دین با تعیین رهبری است که بتواند دین را درست ادامه دهد. زیرا همه ی امید کفار به اضمحلال اسلام بعد از فوت پیامبر (ص) بود و با تعیین رهبری عملاً کفار مأیوس شدند.
بعد از امام علی (ع) سایر ائمه جهت اثبات امامت علی (ع) به آیه ی فوق و به حدیث غدیر احتجاج می کردند و مخالفان هم سخنی علیه آن مطلب، طرح نمی کردند.

۳. آیه می فرماید: حیات رسالت تو ای پیامبر به این مطلب است که آن را ابلاغ کنی! آیا انصاف نیست که هر مسلمانی پیرامون مطلبی با این اهمیت تحقیق کند که چه مطلب و حقیقتی است که می گوید اگر آن را نگویی رسالتت را انجام نداده ای! آیا همچنان که تاریخ گواه است چیزی غیر از ادامه ی رهبری که حیات و بقاء دین به آن است، می تواند باشد. جهت بررسی هرچه بیشتر موضوع

میتوانید به کتاب «مبانی نظری نبوت و امامت» که روی سایت هست رجوع فرمایید.

<https://lobolmizan.ir/book/۲۵۲?mark=%D۹%۸۵%D۸%A۸%D۸%A۷%D۹%۸۶%DB%۸>

C%۲۰%D۹%۸۶%D۸%B۸%D۸%B۱%DB%۸C#section-۳۱۳۱